



این روزها بسیاری از مردم دلخوشی بزرگی دارند و هنگامی که از آن‌ها پرسیده می‌شود که چرا کتاب، روزنامه یا مجله نمی‌خوانند، پاسخی می‌دهند که از نظر خودشان قانع‌کننده‌ترین پاسخ است: «از اینترنت استفاده می‌کنم؛ در کانال‌ها عضو هستم و مطالبشان را می‌خوانم.» وقتی از آن‌ها می‌پرسیم که در چه کانال‌ها و گروه‌هایی عضو هستند یا از چه مطالبی استفاده می‌کنند، مثال‌هایی می‌زنند که شک و تردید ایجاد می‌کند. با خود می‌گویید: «اگر همه مردم جامعه چنین مطالبی را می‌خوانند و هر لحظه بازنشر می‌کنند، پس وای به حال جامعه!» البته این همه ماجرا نیست.

در اینستاگرام که بیشتر انتظار دارید عکس ببینید و شرح‌عکس‌های رؤیایی، شاعرانه و انتقادی بخوانید، ناگهان با مطالب علمی، فنی و هنری حیرت‌انگیزی مواجه می‌شوید که دیدتان را عوض می‌کند. شاید در نگاه نخست، شبکه‌های اجتماعی و فضاهای مجازی، دنیای بی‌پایانی از مطالب بیهوده به نظر برسند. شوخی‌ها، شایعات سیاسی، مطالب علمی کذب و ده‌ها مورد دیگر که دست‌به‌دست هم می‌دهند تا ظاهر شبکه‌های مجازی زشت و نازیبا به نظر برسد. اما آیا این همه واقعیت این ابزارهای قدرتمند است؟ به طور قطع پاسخ منفی است. ما هستیم که مثبت یا منفی بودن آن‌ها را تعیین می‌کنیم.

کیفیت فضای مجازی و به‌ویژه مطالبی که در پست‌های ابزارهایی نظیر اینستاگرام، فیسبوک و کانال‌های تلگرام می‌بینیم و می‌خوانیم، بستگی به خودمان دارد؛ «ما» به عنوان مخاطب، نه به عنوان پدیدآورنده پست‌ها. بسیاری از صفحات و کانال‌هایی که مطالب بیهوده، شایعات و انواع دروغ‌های علمی، فنی، هنری و مانند این‌ها را منتشر می‌کنند، به یک دلیل ساده، مشتری زیادی دارند و معروف شده‌اند؛ خودمان از آن‌ها خواستیم. ما صفحاتشان را دنبال کرده‌ایم؛ مطالب دروغشان را برای گروه‌های دیگر فرستاده‌ایم و در کانال‌ها و صفحاتمان به اشتراک گذاشته‌ایم. ما آن‌ها را تبلیغ کرده‌ایم، به مطالب بیهوده‌شان پر و بال داده‌ایم و آن‌ها را منتشر کرده‌ایم. خوب یا بد بودن فضای مجازی به خودمان مربوط است. خودمان انتخاب می‌کنیم فضایی پاک و زیبا باشد یا فضایی مملو از زباله‌های فکری و ذهنی؛ کلیپ‌هایی در آن منتشر شود که دیدمان را به زندگی به شکل مثبتی تغییر دهد یا کلیپ‌هایی که به قیمت آزار رساندن به دیگران ما را بخنداند.



### سخت‌افکار شماره 185 پدیده‌ای به نام زایلینکس

به نظر من، فهرست کانال‌ها و گروه‌هایی که در آن عضو هستیم، معرف شخصیت ما است؛ معرف جهان‌بینی ما و خلاصه‌ای از تربیت فردی و اجتماعی‌مان. برآیند کلی این فهرست، نمایی دقیق از سلايق، رفتار، سبک زندگی و تربیت‌مان را نشان می‌دهد.

حال برمی‌گردیم به ابتدای این نوشتار؛ ما کمتر کتاب می‌خوانیم و به نظرم میزان خواندن روزنامه و مجله به سمت صفر میل می‌کند! توجه بیشتر ما این است که شبکه‌های مجازی و اینترنت را جایگزین نشریات کاغذی کرده‌ایم. این طبیعی است که در هر دوره‌ای به سوی واسطه‌های رسانه‌ای جدیدتر و ساده‌تر جذب شویم، اما آیا می‌توانیم بهترین بهره را از آن‌ها ببریم؟ آیا سلیقه‌مان را آنقدر خوب پرورش داده‌ایم که در این فضای جدید گم نشویم؟ فضای بی‌زمانی که غرق شدن در آن به معنی توقف دنیای حقیقی‌مان است. شاید برای کاربران بزرگسال کار از کار گذشته باشد؛ سلیقه آن‌ها شکل گرفته است و ایجاد تغییرات مثبت بسیار دشوار خواهد بود. بهترین کاری که برای نجات جامعه انسانی و قرار دادن آن در مسیر صحیح استفاده از فضای مجازی می‌توان انجام داد، متمرکز شدن روی کودکان است. باید دقت بسیار زیادی در تربیت آن‌ها کرد و در طول دوران رشد و بالندگی، سطح سلیقه آن‌ها را چنان باکیفیت ارتقا داد که وقتی به نوجوانی و بزرگسالی رسیدند، بدون نظارت دیگران، مطالب خوب را جذب کنند و به مطالب بی‌هوده توجهی نکنند. یک دنیای مجازی بی‌فیلتر که در آن، مطالب، عکس‌ها و پست‌های خوب و انسانی به اشتراک گذاشته می‌شود و مطالب، پست‌ها و تصاویر بی‌ارزش و و کذب، بی‌هیچ نظارتی خودبه‌خود حذف می‌شوند. نباید فراموش کنیم دنیای مجازی، اتصالات بسیار قدرتمندی با دنیای حقیقی دارد. این دو بر هم اثر می‌گذارند و شاید روزی به این نتیجه برسیم که تفکیک «مجازی» و «حقیقی» کار اشتباهی بوده است و این دو در حقیقت یک دنیا هستند. کودکان ما حق دارند در دنیای بهتری زندگی و رشد کنند و بتوانند دنیای ارزنده‌تری برای نسل بعد از خود بسازند. باید کاری کرد.

### تاریخ انتشار:

25 مهر 1395